



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۷/۰۴

محمد عارف عباسی

مذاکرات صلح افغانستان آزمون بزرگ سیاسی و تاریخی برای امریکا!



هفتمین دور مذاکرات بین نمایندگان طالبان و هیأت حکومت امریکا در دوحه منعقد گردید. یقیناً که این دور آخر نبوده تا حصول نتیجه نهایی چندین دیدار و مذاکره دیگر صورت خواهد گرفت. در جریان این مذاکرات بامب ها به گونه پیهم منفلق و عملیات انتحاری انجام یافته و با قربانی صدها مردم بی گناه و بی دفاع، طالبان به ملت افغانستان نوید و اطمینان صلح می دهند.

به باور این قلم و بر بنیاد واقعیت های عینی غیر قابل انکار شمول هیأت طالبان دور هر میز مذاکره در دوحه، ماسکو و هر محل دیگر کره زمین مطلقاً نمایشی است. طالبان در واقعیت یک وسیله و ابزار برای تطبیق طرح های ستراتیجیک پاکستان علیه افغانستان و امریکا است، و از بدو مرحله چنین بوده، نقش علنی پاکستان در ایجاد، حمایت، تعلیم، تسلیح، تمویل و فراهم آوری همه تسهیلات و امکانات برای طالبان یک حقیقت روشن شناخته شده بین المللی است. خلیل زاد یگانه دیپلمات امریکایی است که در طول دوران مأموریتش بر این واقعیت تأکید ورزیده و نظریات واقع بینانه خود را به رئیس جمهور وقت امریکا ابراز نموده است. صدای پاکستان از حلقوم هیأت طالبان بر می آید. طالبان چنین در غل و زنجیر ستراتیجیک و عقیدتی پاکستان اسیر اند که هیچ گونه استقلال عمل و صلاحیت تصمیم گیری ندارند.

علاوتاً وزارت خارجه، دفاع و سی آی ای امریکا از این موضوع بطور قطع بی اطلاع نبوده اسناد، مدارک و شواهد قوی در زمینه در اختیار دارند.

این که چرا امریکا به عوض مذاکره با مولای واقعی و مرجع اصلی با «شبح نظامیان» پاکستان دور میز مذاکره می نشیند موضوع اسرار آمیز پدیده مغز متفکر ماشین سیاسی امریکا است، که باز هم پاکستان را برانت داده و مقصود خود را حاصل می کند و یا دلیل قوی سیاسی دیگر در آن وجود دارد که با یک تیر دو فاخته را زده هم صلح را تأمین می کند و هم پاکستان را مجبور به تغییر موقفش می نماید (امیدوارم چنین باشد. نویسنده). ورنه هیچ عقل سلیم و حتی منطق عامیانه قبول نمی کند که امریکا بعد از هفده سال جنگ و قربانی بیش از ۲۴۰۰۰ فرزانش و مصارف گزاف مالی به یک تعهد بی بنیاد طالبان بار و بستره ببندد و یک شکست اهانت آمیز را پذیرفته و بر تمام اهداف سیاسی و

اقتصادی خود در منطقه خط بطلان کشیده افغانستان را در ترحم پاکستان واگذار شود، و میدان را برای اهداف مشخص توسعه منطقی چین فراخ رها نماید؟

تا حال نماینده خاص امریکا از دو موضوع به حیث تفاهم مقدماتی تذکر داده:

۱- تعهد طالبان که اجازه نمی دهند که مناطق تحت تصرف شان مورد استفاده گروه های تروریستی بین المللی قرار گیرد (یک تعهد غیر عملی و ناممکن و با موجودیت شواهد هم بستگی القاعده با طالبان. نویسنده).

۲- موافقه امریکا در تعیین تقسیم اوقات خروج عساکرش از افغانستان. (جزئیات این اقدام و شرایط آن تا حال معلوم نیست. نویسنده)

این دو توافق مقدماتی فرسنگ ها از توقعات و انتظارات مردم افغانستان برای حصول یک صلح پایدار و عادلانه فاصله داشته و یک آستانه امید وار کننده نیست.

بهر حال در تحت شرایط کنونی با مد نظر داشت بیانات خوش بینانه و سفر های پی در پی نماینده خاص امریکا به بعضی کشور های نا مرتبط و اتحادیه اروپایی و مجمع اعضای ناتو حاکی از یک معامله دوام دار بوده و قضاوت را بر دست آورد نهایی مشکل ساخته و مردم افغانستان را درس برده باری می دهد که جنگ هژده ساله در یک مدت کوتاه به صلح نمی گراید.

با درک و فهم این مطلب گرچه امریکا تا حال موفق به قناعت دادن طالب برای مذاکره با حکومت افغانستان نشده، ولی طالبان برای مذاکره و مجلس با گروه های ایله جاری (گروه شصت نفری) راضی اند. چه طالبان نی بلکه پاکستان در مورد روحیات، خواسته ها و رویا های عاشقانه قدرت طلبی این اشخاص مطالعات عمیق و معلومات ثقه دارد و تعمیل هر خواست را توسط شان سهل می داند.

در حال حاضر دو جهت مشخص در این معامله وجود دارد، امریکا و پاکستان. چگونگی مسیر مذاکرات نشان خواهد داد که امریکا چگونه وسایل اعمال نفوذ خود را در جهات ضعیف و آسیب پذیر پاکستان بکار می گمارد که نه تنها پاکستان از حمایت و پناه دادن طالبان منصرف شود بلکه طالبان را مجبور به قبول شرایط امریکا با تضمین پاکستان بنماید. که البته امریکا به حیث یک قدرت نظامی و اقتصادی جهان از یک موقف قوی با غنای اطلاعات ثقه در مورد نقش پاکستان در طالب سازی و طالب پروری تصمیم خردمندانه سیاسی را اتخاذ کند که در مرحله اول رویای چهل ساله ملت افغانستان برای زیست در یک فضای مطمئن صلح و امنیت و با برخوردار بودن از جمیع حقوق مدنی انسانی تحقق بخشیده تا منابع و نیرو های آن به صوب انکشاف و ترقی مسیر یابد.

طالبان باید قانون اساسی افغانستان را با تمام مندرجات آن به رسمیت بشناسد

امریکا حاضر به خارج نمودن یگ دلگی عسکر خود نگردد تا طالب اسلحه به زمین نه نهاده، اوربند را قبول و از یک جبهه جنگی به یک جریان سیاسی در جامعه افغانستان مدغم گردد.

امریکا باید حضور قوای نظامی خود را برای یک دور انتقالی و ثبوت صداقت طالبان در تعهداتش بر طالبان بقبولاند. امریکا بقای اردوی ملی را با اصلاحات و تغییرات بنیادی تضمین نماید.

مذاکرات طالبان با سیاست گران ایله جاری و فاقد صلاحیت قانونی ملغی قرار داده شده و طرف اصلی مذاکره باید حکومت افغانستان باشد.

تن دهی به شرائط طالبان(پاکستان) و توافق به خروج عساکرش در واقعیت برچیدن گلیم نصب العین سیاسی و اقتصادی امریکا در منطقه است.

قابل تذکر می دانم که آقای خلیزاد نماینده خاص امریکا به حیث یک انسان و سوابق و روابطش در افغانستان با اشخاص و حلقات معین خواسته ها تمایلات و فرصت طلبی هایی به شمول داد و ستد دارد که با استفاده از این موقف آن را با مأموریت خود مدغم نموده راه مستقیم صلح خواهی را کج و معوج و مغلق ساخت.

خلاصه این مقطع حساس تأریخی امریکای ابر قدرت را با چگونگی تصامیمش در این صلح پالی در آزمون قرار داده که با تمام تجارب، مطالعات و اندوخته ها و تحولات منطوقی و شمول رقبای قوی در بازی اعمال نفوذ منطوقی به ارتباط صلح افغانستان چه موقفی اتخاذ می نماید که نتیجه نهایی این مذاکرات و توافق نامه ناشی از آن به این سوالات جواب خواهد داد.

امید وارم این تحلیل و توقعات خیال پردازی یک افغان نابلد امور سیاسی نباشد.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

مذاکرات صلح افغانستان آزمون بزرگ سیاسی برای امریکا!

[A_abasi_۲۸_solh_afghanistan_azmun_bozorg_usa.pdf](#)